

بررسی تاریخچه علم در آیین سوگواری محرم در مناطق مختلف ایران

* کتابیون نمرانیان

** مرضیه یگانه

چکیده

این پژوهش به بررسی علم و علامت‌های عزاداری و تاریخچه آن از زمان پیش از اسلام و پس از اسلام می‌پردازد که به دو صورت میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. بخش میدانی شامل پرس و جو درباره نمادهای بکار رفته در علامت‌ها است که هرکدام از آنها به چه معنی و هدفی استفاده شده است. بررسی مردم شناختی علم بیشتر در این بخش انجام شده است. در بخش کتابخانه‌ای پیشینه علم و کاربرد آن در دوره‌های گوناگون تاریخی و مراسم علم‌گردانی و عزاداری‌های محرم در چند منطقه از ایران به ویژه روستای بن از توابع شهرکرد تا حدامکان پرداخته شده است که بررسی‌های نشانه شناختی را نیز در برمی‌گیرد. در مجموع، در این پژوهش، به بررسی تک تک نمادهای تیغه‌ها، رنگ‌های علم‌ها، فرم‌های عمودی و چندشاخه و پیشینه‌ی آنها در دوره‌های مختلف، در حد امکان پرداخته شده است. در نهایت علم نمادی از عزاداری روز عاشورا است که با فرهنگ و هنر ایرانی پیوند خورده است.

کلید واژه‌ها: علم، عزاداری، محرم، نمادشناختی، مردم شناختی

* عضو هیات علمی دانشگاه شیراز. katynamiranian@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های ایران باستان. rozeecomputer@gmail.com

۱. مقدمه

تاریخچه‌ی علم و علامت شامل نقل قول‌های فراوانی است، مورخان نیز تاریخچه‌ی علم و علامت را مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی می‌دانند. برخی اساس آن را مربوط به دوره‌ی آق‌قویونلوها و قره‌قویونلوها می‌دانند و عده‌ای به دوره‌ی صفوی و زندیه نسبت می‌دهند و برخی نیز پیش از آن.

قدیمی‌ترین علامت‌های فعلی ایرانی در موزه‌ی توپکایی استانبول نگهداری می‌شود، شاید این علامت‌ها نمونه‌ای از نشان قبایل مختلف ایرانی است که در زمان حکومت ترکمن‌ها آق‌قویونلو و قره‌قویونلوها وجود داشته‌اند و دسته‌های سیاسی و مذهبی از آن‌ها استفاده می‌کردند.

علامت‌ها از صفحه‌های آهنی با تیغه‌های باریک و بلند ساخته می‌شده‌اند و در رأس آن، نشان سنتی قوم و قبیله نصب می‌شده. تیغه‌های بلند و باریک آهنی با صفحه‌ای مدور و بزرگ‌تر در انتهای تیغه که دارای قابی از فلز بود، خاتمه می‌یافت. در دوره‌های مختلف تاریخی به علامت نمادها و تزئینات دیگری هم اضافه شد. برخی از این نشان‌ها عبارتند از: طاووس، طوطی، شتر، زنگوله، ازدها؛ که هر کدام معنایی خاص دارند و یا نمایانگر باور و پیام ویژه‌ای در دین می‌باشند.

تعداد تیغه‌های علم از سه شروع می‌شود و به ترتیب تا بیست و یک ادامه دارد (البته تعداد تیغه‌ها باید فرد باشد). این علم‌ها را در ابتدای دسته‌ی عزاداری حرکت می‌دهند که بیانگر نماد آن دسته می‌باشد. در قدیم بر این باور بوده‌اند که اگر دست بر علم و یا پارچه‌های آن کشیده شود موجب شفای بیماری می‌شود.

در این مقاله سعی بر آن است که پس از واکاوی واژه‌ی علم و تاریخچه‌ی آن، بررسی‌های نشانه‌شناختی و مردم‌شناختی گوناگون تا حد امکان بر روی آن آورده شود. با سپاس از مصاحبه شوندگان گرامی حجت الاسلام فهیمی رییس بخش عقیدتی سیاسی سازمان بهزیستی استان فارس، مصاحبه در تاریخ ۹۷/۹/۱۲ و جناب آقای

نادری کارشناس ارشد شهرداری شیراز، مصاحبه در تاریخ ۹۷/۷/۱۵، که این پژوهش بی‌یاری این بزرگواران میسر نبود.

۲- واژه عَلم

عَلم بر فتح عین و لام: در بیش‌تر لغت‌نامه‌ها به معنی درفش، بیرق، پرچم، لوا و رایت است.

در کتاب اقرب‌الموارد: آنچه در احاطه‌ی آسمان باشد.

در معنایی دیگر به معنی نشانه، مهتر قوم بیان شده است. واژه‌ی عَلم ما را با نام‌هایی همچون طوق و بیرق پیوند می‌دهد که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

عَلم: نشان، پرچم، نشان لشکر، آنچه بر سر نیزه ببندند، درفش، منار، کوه و اعلام.

بیرق: (ترکی) عَلم، لوا، درفش (دهخدا، ۱۳۹۵)

بیرق کشیدن: درفش افراشتن (دهخدا، ۱۳۹۵)

علامت‌کش: عَلم‌بردار، حامل علامت، عَلم‌دار (دهخدا، ۱۳۹۵)

عَلم فواج: عَلم دولتی که بر بالای عمارت دولتی نصب کنند. (دهخدا، ۱۳۹۵)

عَلم به خون تازه کردن: همان عَلم چرب کردن در جنگ‌ها بوده. به این صورت که به هنگام رویارویی با سپاه دشمن و یا شیخون، چند نفر از لشکر دشمن را به دست می‌آوردند و در پای عَلم خودی گردن آن‌ها را می‌زدند و از خون یاران دشمن، به اصطلاح عَلم را چرب می‌کردند و آن را نشان پیروزی می‌دانستند (دهخدا، ۱۳۹۵).

عَلم چوبی: عَلم کردی و نیز عَلم دوکی شکل شبیه سرو که در مناطق نیشابور، خور بیابانک برپا می‌شود که با ویژگی‌های خاص این منطقه طراحی شده است. (سایت

ایرنا)

عَلَم معکوس: عَلَم وارونه، کنایه از سقوط، شهادت و فوت می‌باشد. در قوچان و شهرهای شمالی خراسان، «قبه» و «پنجه» عَلَم را در ظهر عاشورا به صورت معکوس آویزان کرده و آن را «عَلَم واژگو» گویند.

عَلَمدار: نگهبان درفش و عَلَم، مقامی خاص و بسیار مهم در لشکر و هنگام جنگ دارد (دهخدا، ۱۳۹۵)

میر عَلَم: نخل و چوب بسیار بلندی که در عزاداری‌ها پیشاپیش دسته‌ها حرکت می‌دهند و معمولاً بر سر آن پنجه‌ی فلزی همراه با باریکه‌هایی از پارچه‌های مشکی قرار می‌دهند (منظور از میر عَلَمدار، حضرت عباس (ع) است).

عَلَم کاویان: درفش کاویان (فرهنگ عمید، ۱۳۷۵)

واژه علامت: نشان، در تداول فارسی‌زبانان به علائم نیز جمع بسته می‌شود.

نشانی که در راه برای رهنمون کردن مردم برپا سازند (حداصل میان دو زمین).

علامت: علامت صلیب‌مانندی که بر چوب و یا آهن افقی آن، از سوی پایین شال‌های ترمه می‌آویزند و از سوی بالای آن، لاله و تندیس‌هایی از مرغ و غیره نصب کنند. در میانه، زبانه‌ی فلزی بلندی دارد و بر نوک آن فلز، پر، گلوله‌ای از شیشه‌ی رنگی نصب کنند، این زبانه‌های فلزی که به تیغه مشهور است، به تعداد سه، پنج، هفت (تعداد فرد) می‌باشد. در مراسم عزاداری محرم، علامت را پیشاپیش دسته‌ها حرکت می‌دهند.

درفش کاویان: یکی از پرارزش‌ترین پرچم‌های جهان است که از دل توده‌ی مردم آزادی‌خواه ایران برافراشته شد. فردوسی بزرگ از درفش کاویان بارها با نام اختر کاویان، یاد کرده است.

این درفش پس از پیروزی فریدون (بر اژی‌دهاک) به زر و گوهر آراسته شد، عَلَم مقدس ایران بود تا در جنگ قادسیه در زمان یزدگرد سوم، از دست رستم فرخزاد

سپهسالار بر زمین افتاد و به دست اعراب رسید. سعدابن وقاص آن را جزء ذخایر و جواهر یزدگرد نزد عمر ابن الخطاب فرستاد؛ عمر، دستور داد که آن را از چوبه برگرفتند و خود درفش را پاره پاره کرد و در میان مسلمانان تقسیم کرد (ثعالبی نقل از خلیل پور، ۱۳۶۹).

۱-۲- سرعَلَم‌های مفرغی لرستان

بخش گسترده‌ای از میراث فرهنگی و تاریخی ایران مربوط به آثار مفرغی لرستان است. بر طبق پژوهش‌ها، مردمان این منطقه در فاصله‌ی دوران مس و آهن، بزرگ‌ترین دست‌آورد‌های بشری را به وجود آورده‌اند. به طوری که آن دوره را، عصر طلایی تمدن مفرغ نام نهاده‌اند و لرستان به عنوان مهد مفرغ لقب گرفته است. پس از آن، مادها و قبایل دیگر از این صنعت استفاده کردند.

یکی از شاخص‌ترین آثار مفرغی یافت شده در لرستان به نام تب یا طلسم، سرپرچم، عَلم (علامت) دارای اهمیت است، که در تقسیم‌بندی اشیاء این دوره، جزء اشیاء نذری و مذهبی قرار می‌گیرد. این عَلم‌ها از سه بخش جداگانه تشکیل شده است:

۱. بخش بالایی عَلم: که معمولاً به شکل بطری برگشته است و در واقع پایه‌ی نگهدارنده‌ی شیء محسوب می‌شود.

۲. بخش میانی عَلم: شامل پیکره‌ی اصلی است که دوطرفه طراحی شده است.

۳. بخش زیرین عَلم: معمولاً میله‌ای باریک با سرهای تزیین‌یافته است که از لوله‌ی میانی شیء اصلی عبور کرده و بخش میانی را به پایه‌ی نگهدارنده متصل می‌کند. این عَلم‌ها جنبه‌ی آیینی داشته و نمادی از باورهای دینی گوناگون بوده و یا جهت دوری از بلا و نیروهای شیطانی کاربرد داشته است.

از ویژگی‌های علم‌های مفرغی لرستان، قرینه‌سازی آن‌هاست که نشان از هنر و علاقه‌ی هنرمندان آن سرزمین به قرینه‌سازی و ریزه‌کاری بوده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های این علم‌ها، کاربرد نقش‌های جانوران است که امروزه این ویژگی در علامت‌های عزاداری دیده می‌شود (خلیل‌پور، ۱۳۸۶: ۱۹-۱۸).

۲-۲- علم دوران هخامنشیان

در دوران هخامنشیان، به سفالینه‌هایی برمی‌خوریم که تصویر پرچم روی آن مانند پرچم‌های امروزی بوده که از یک تکه پارچه و میله تشکیل شده‌اند (کهن‌ترین اسنادی که به شرح سازمان سیاسی، اداری و اوضاع اجتماعی و نظامی ایران هخامنشی می‌پردازد، مدارک و کتاب‌های تاریخ‌نویسان و سرداران یونان باستان مانند هردوت و گزنفون بوده است). هردوت، بارها از بیرق سرداران ایرانی یاد کرده ولی از چگونگی بیرق، سخنی نگفته است.

گزنفون، در کتاب خود به نام «کوروش‌نامه» در بخش لشکرکشی و حمله به سرزمین ماد می‌نویسد: «کوروش با سرعت پیش می‌رفت، ترتیب حرکت قشون چنین بود که سواره‌نظام در جلو حرکت کند و بعد از آن بار و بانه و در آخر پیاده‌نظام می‌آمد، هر دسته از گروهان بیرقی داشتند که به دست پرچمدار (اسکوفور) بود» (صلواتی به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۸۷).

پادشاهان هخامنشی از نمادها به خوبی در پرچم‌هایشان استفاده می‌کردند، از میان آن‌ها می‌توان به نماد عقاب یا باز اشاره نمود. به عنوان نمونه، بیرق کوروش عبارت بود از هیکل عقابی زرین با بال‌های گشوده که بر سر نیزه‌ی بلندی نصب کرده بودند (پیرنیا به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۷۸).

در دوران حکومت داریوش، پرچم‌ها پیشرفت فراوانی داشتند. نقوش روی سفالینه‌های کشف شده، سربازان ایرانی را در جنگ با اسکندر نشان می‌دهد، که پرچم‌هایی با حاشیه‌ی قهوه‌ای متمایل به قرمز را حمل کرده و بر روی آن‌ها عقاب طلایی‌رنگی نقاشی شده بود که تاجی بر سر دارد (پوپ به نقل از خلیل‌پور، ۱۹۷۲).

۳-۲- عَلم دوران اشکانیان

هرچند آگاهی در مورد بیرق این دوره ناچیز است، ولی با بررسی تاریخ اشکانیان، به پرچم‌های ابریشمی زیبایی می‌رسیم که دارای نقش‌های اژدها، خورشید و اسب و خوشه بوده و گاه مانند رومی‌ها، عقابی دوسر به کار می‌بردند و گاهی مانند بابلیان، از نقش ماه و ستاره استفاده می‌کردند.

یکی از لقب‌های (فرنام) شاهان اشکانی «برادر آفتاب و ماه» بوده است، بنابراین چون خود را از نظر ارزش و اهمیت برابر اختران آسمانی می‌دانسته‌اند، و یا خورشید و ستارگان و ماه در نظر آن‌ها جنبه‌ی خدایی داشته‌اند، دور از ذهن نیست که در درفش‌های خود از این پیکره‌ها بهره برده باشند (بهار، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

۴-۲- عَلم دوران ساسانی

در کتیبه‌هایی که از دوران ساسانیان به دست ما رسیده، تصاویری از بیرق‌های ساسانی دیده می‌شود. یکی از این بیرق‌ها، پارچه‌های بلند و باریک نوامانند است که بر فراز نیزه‌ای بسته شده است. بر روی پرده‌ی این درفش، پنج شاهین تصویر شده که سر همه‌ی آن‌ها به یک سو و بر روی بال‌هایشان یک دایره و چند نقطه‌ی همانند دیده می‌شود و بر زیر پرده‌شرا به‌هایی از موی اسب آویخته شده است.

نصرت‌اله بختورتاش در کتاب «پرچم و پیکره شیر و خورشید»، بیرق رسمی ایرانیان در زمان ساسانیان را درفش کاویانی مطرح می‌کند که بارها در تاریخ و شاهنامه‌ی فردوسی

بزرگ، نام برده شده است (این درفش که از چرم پلنگ ساخته شده بود، با سنگ‌های قیمتی تزیین گشته، دارای ابعاد ۷ متر طول و ۵ متر عرض بوده است).
درفش کاویانی در دوره‌ی هر پادشاه، به جواهرتش افزوده می‌گشت و به پادشاه بعدی می‌رسید. سرانجام این درفش در جنگ قادسیه به دست اعراب افتاد (نفیسی به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۸۳).

۳- اهمیت پرچم در جنگ‌ها

کاربرد پرچم در نبردها، همواره نشانه‌ی کوشش و تلاش جنگی و نمونه‌ی کامل روح سلحشوری و سرافرازی بوده و سپاهیان همیشه پرچم را مظهر عظمت و حاکمیت خود می‌دانسته‌اند. همان‌طور که ماجرای ارتش روم و اصرار آن‌ها در بازپس‌گرفتن پرچم ازدست‌رفته‌شان در جنگ حرّان، بر کسی پوشیده نیست.

۱-۳- درفش اژدهاپیکر

ساختن پیکرهای اژدها و یا جانوران دیگر از پارچه یا چرم و برافراشتن آن‌ها به صورت پرچم در ایران رواج داشته است. هنگامی که این‌گونه پرچم‌ها با پیکره‌ی اژدها، شیر، ببر، پلنگ و سوسمار افراشته می‌شد، بسته به چگونگی دویدن علمدار که معمولاً هم در جهت وزش باد بود، این پیکره‌ها از راه دهان از هوا انباشته می‌شدند و مانند حیوان زنده در می‌آمدند که ترس و وحشت در دل دشمن می‌انداخت (بختورتاش، ۱۳۸۴: ۱۱۹-۱۱۷).

۴- تاریخچه‌ی علم در دوران اسلامی

در این زمان، هر قبیله علم ویژه به خود داشته که توسط فرد معتبر خاندان نگهداری می‌شده. کار علمداری، از کارهای مهم این دوران بوده است که سبب فخر و عزت خاندان دارنده‌ی آن می‌شد. پرچم‌داری، یکی از منصب‌های معمول میان خاندان قریش

بود؛ به طوری که این طایفه، پرچمی به نام «عقاب» داشتند که در مواقع جنگ آن را به دست یکی از سران سپاه و یا به پرچمدار تحویل می‌دادند، اما اساساً پرچمداری با خاندان اموی بوده است.

پس از اسلام، این روش اندکی تغییر کرد و درفش تمام خاندان‌ها در زیر درفش اسلام قرار گرفت. در دوران اسلام، عَلم و عَلمداری از ارزش فراوانی برخوردار بود. عَلم‌ها را بسیار بلند و سنگین می‌ساختند و عَلمدار، اعتبار و احترام ویژه‌ای داشت. غالباً این افراد از میان پهلوانان و جوانان بسیار برومند و با اخلاق که مورد اعتماد مردم بودند، گزینش می‌شدند. به عَلمدارها، مزایا و حقوق خاصی می‌دادند. امروز هم می‌توان بقایای آن را در گوشه و کنار کشور دید. آداب مختلف عَلم‌گردانی، عَلمداری، عَلم بستن و عَلم بردن.

در روایات آمده است: هنگامی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) برای فتح مکه حرکت کردند، سپاه ایشان دارای پرچمی سبزرنگ بود. برخی از تاریخ‌نویسان به آن حضرت، بیرقی به رنگ سفید و برخی دیگر، به رنگ سیاه نسبت داده‌اند. عده‌ای هم نوشته‌اند که ایشان، دو بیرق داشته‌اند: یکی سیاه بنام عقاب و دیگری سفید که از چادر عایشه بوده است. البته اطلاع درستی از اینکه بیرق عقاب‌نشان در این دوره کاربرد داشته، در دست نمی‌باشد (شاطری به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۸۱).

از آنجایی که دین اسلام با تندیس‌سازی و پیکرتراشی موافق نیست، چنین به نظر می‌رسد که در این دوره، رنگ پرچم به تصویر نقش شده بر روی آن برتری داشته و هر رنگی، معنای خاص خود را داشته است؛ چنان‌که در تمام متن‌هایی که از این دوره و پرچم‌های آنان سخن گفته‌اند، فقط درفش‌ها با رنگ‌های وابسته به آن‌ها تشریح

شده‌اند و نامی از نگاره و یا نقش بر روی آن‌ها برده نشده است (خلیل‌پور، ۱۳۸۶: ۳۸).

۵- علم در مذهب شیعه

علم در مذهب شیعه، با واقعه‌ی عاشورا پیوند ناگسستنی داشته و مراسم محرم، در ارتباط متقابل خود با مجموعه فرهنگ، عناصر نمادین آن را به خود گرفته و آن‌ها را با اندیشه‌ی شیعه پیوند زده و دوباره در قالب فرهنگ به جامعه بازگردانده شده است.

با به رسمیت شناخته شدن مذهب شیعه در ایران، تعزیه و عزاداری جایگاه ویژه‌ای در میان مردم مسلمان پیدا کرد. در واقع تعزیه در ایران، از دوران صفوی به بعد رواج یافت. امروزه علمداری و علم در آیین‌های عزاداری، خود، یادگاری از پرچم حضرت عباس (ع) و علمداری است و بیرون نبرد علم در شب شام غریبان، یکی از آداب علمداری است و حکایت از آن دارد که دیگر، عباسی وجود ندارد.

در واقعه‌ی کربلا، علم حسین بن علی (ع) در دستان پر توان حضرت عباس (ع) بود. هم علمدار بود و هم سپهدار. امام (ع) از آن روی، علم را به عباس سپرد که ایشان، توان و کفایت بیش‌تری برای حمل پرچم و مقاومت در میدان نبرد را داشتند.

۱-۵- علم در دوران صفوی

با رسمیت شناختن مذهب شیعه در نخستین سال‌های سده‌ی شانزدهم، در زمان شاه-عباس صفوی، عزاداری به شکل رسمی برپا شد و به صورت یک آیین در آمد. در زمان صفویه، به کار بردن علم در ماه محرم نیز معمول بود و در جنگ‌ها از علم که جنبه‌ی دینی داشته برای روحیه بخشیدن به سپاه استفاده می‌کردند.

چند نمونه از این علم‌ها در جنگ چالدران به دست عثمانی‌ها افتاد و هنوز هم نمونه‌ای از این علم‌ها در موزه‌ی کاخ توپکاپی ترکیه است. در عهد صفوی که ایران در قدرت

بود، هنر، رشد بسیار یافت به‌ویژه هنر فلزکاری این دوره و پیوند آن با مضامین مذهب شیعه دارای اهمیت ویژه‌ای شد.

از ویژگی‌های علم صفوی، مذهبی بودن و تک شاخه بودن آن‌هاست که هم کاربرد نظامی داشت و هم در آیین عزاداری به کار می‌رفت (قدیمی‌ترین علم‌های ایرانی در موزه‌یتوپکاپی نگهداری می‌شود) (بختورتاش، ۱۳۹۲: ۲۲۶). شاید این علم‌ها که نمونه‌ای از علامت و نشان قبایل مختلف ایرانی است در عصر حکومت ترکمن‌ها آق‌قویونلو و قراقویونلوها وجود داشته و دسته‌های سیاسی و مذهبی از آن‌ها استفاده می‌کردند. پس از رواج تشیع در زمان شاه‌اسماعیل مورد استفاده‌ی دسته‌ها قرار می‌گرفت، از صفحه‌ای آهنی به صورت تیغه‌ای باریک و بلند ساخته می‌شد. در رأس آن علامت و نشان سنتی و قومی قبیله‌ای بود و در شیعه‌مذهبان نام «...» یا «محمد» و «علی» و یا نام «خدا» و پنج‌تن نقره‌کاری یا کنده‌کاری می‌شد.

تیغه‌ی باریک و بلند آهنین با صفحه‌ای گرد و بزرگ‌تر در انتهای تیغه که دارای قابی از فلز بود، خاتمه می‌یافت. دور این قاب را با سرهای ازدها که از هنرهای چینی و ژاپنی برگرفته شده بود، می‌آراستند.

این علم‌ها بر روی دسته‌ای چوبی یا فلزی قرار می‌گرفت و پیشاپیش دسته‌ها حمل می‌شد.

۲-۵- علم در دوران قاجار

با فرا رسیدن دوران قاجار، عزاداری برای امام حسین (ع) کاملاً نهادینه شد و به صورت امری عمومی و مردمی در آمد. به طوری که گفته‌اند، در این دوران، در تهران و شهرهای بزرگ در تمام ماه‌های محرم و صفر، در بیش‌تر محله‌ها با برپا کردن چادر و گسترش فرش و نصب علم و کتل، عزاداری می‌کردند. هر کس در حد توان خود،

سعی می‌کرد در عزاداری، نقشی درخور توجه ایفا کند. افراد قوی‌هیكل علم‌هایی که کمتر کسی قادر به، به حرکت درآوردن آن‌ها بود، با شال مخصوصی به سینه و شکم خود می‌بستند.

(در دوران قاجاریه بود که به تعداد تیغه‌های افزوده شده و تزئیناتی به آن‌ها اضافه گردید).

معروف‌ترین و باشکوه‌ترین تکیه که در آن تعزیه نمایش داده می‌شد، تکیه‌ی دولت بود. در زمان ناصرالدین‌شاه به تعداد تکیه‌ها، حسینیه‌ها افزوده شد که حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر را در خود جای می‌دادند.

۱-۲-۵- علم زمان ناصرالدین شاه

" علم تعزیه است که روز هفتم محرم هر سال در حرم‌خانه جلالت بسته می‌شود. اوقاتی که مرحوم مهدعلیا والده شاهنشاه حیات داشتند ایشان و بعد از فوت آن مخدره سرکارنواب علیه عالیله انیس الدوله مباشرین کار هستند و در این روز جمعی از شاهزاده خانم‌ها و خواتین محترمه را دعوت به حرم‌خانه می‌کنند و علم را با پارچه‌های بسیار نفیس از زری ترمه بنارس می‌بندند و جیقه مرصعی که از نادرشاه مانده است به این علم می‌زنند. طوقش پنجه طلا است و با تشریفات زیاد از حرم‌خانه بیرون می‌آورند و تحویل فراش‌باشی می‌دهند او به قاپوچی باشی تسلیم می‌کند، قاپوچی باشی دست گرفته، در جلو فراشانی سرکاری که به طور دسته نوحه می‌خوانند این علم را به تکیه دولت وارد می‌کنند و تا روز عاشورا که سه روز باشد این علم سپرده به فراش‌باشی است. عصر روز عاشورا فراش‌باشی علم را به خواجه باشی تحویل می‌دهد و به حرم‌خانه می‌برند و باز می‌کنند (ببری دیج، ۱۳۸۸: ۹۰۸). "

۶- بررسی شکل کلی علم

علم در گروه نشانه‌های شمایل‌ی با کاربرد آیینی قرار می‌گیرد، که صنعت‌کاران ایرانی علم را با نشان‌های مختلف آیینی - مذهبی آراسته‌اند و آن را به یکی از باارزش‌ترین نشانه‌های مذهبی تبدیل کرده‌اند.

علم در شکل‌های کلی شبیه به صلیب یا بعلاوه (+) می‌باشد که اجزای اصلی آن، یک میله سرتاسر افقی است که تیغه‌ها به شکل سرو و تعداد فرد روی آن نصب شده است و هنگامی که علم‌کش آن را برمی‌دارد، حالت صلیب به خود می‌گیرد. در ایران باستان، طبیعت دارای چهار گوهر اساسی بود: آتش، باد، خاک و آب، که هر یک از این عناصر، بر دیگری برتری داشت؛ یعنی آتش بر خاک، خاک بر باد، باد بر آب، و آب بر آتش غالب است. این ترتیب از دیرباز در قالب چلیپا (صلیب شکسته) نمایان بوده است.

صفات کلی گوهر آتش: حرارت و اراده - گوهر خاک: ثبات و مادی‌گرایی - گوهر باد: روشن‌فکری، استقلال و انتقاد - گوهر آب: احساسات، گیرایی، تردید می‌باشند. چلیپا، نخستین بار در حدود خوزستان یافت شد که مربوط به ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌باشد و به این ترتیب پیشینه‌ی تاریخی آن در ایران به احتمال، بسی کمتر از سابقه‌ی آن نزد آریائی‌ان هند است و هرتسفلد، آن را «گردونه‌ی خورشید» نامیده است.



آثار بسیاری با این علامت (چلیپا) در ایران کشف شده؛ به عنوان مثال، این نماد روی خمره‌های سفالین که مرده‌ها را در آن‌ها دفن می‌کردند دیده شده است (دهانه‌ی این خمره‌ها) روی به خورشید بوده است که نشان از آیین مهرپرستی بوده (گورستانی

تقریباً در پانصدمتری آثار تاریخی طاق بستان در کرمانشاه دیده شده). این گورستان نشان می‌دهد که مربوط به دوره‌ی مهرپرستی می‌باشد.

حتی این نقش بر روی پارچه‌ها و سفال‌های دوره‌ی اشکانی هم بوده است. نماد چلیپا نشانگر گردش چرخ هستی و خورشید تابان همان مهر (خدای خورشید) است. صلیب در این مهر، نماد اتفاق مردم چهارسوی جهان است و همچنین نشان گردش چرخ زمان و روند آن است.

بنا به گفته‌های اوستا، تنها چیزی که جهان و عناصر آن را جان می‌دهد و هم‌هی آفریده‌های اهورایی را به گردش و جنبش وامی‌دارد، زمان است و صلیب شکسته، نمادی از چرخش خورشید است (احیایی به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۸۲).

۱-۶- علم یا صلیب

برخی کارشناسان معتقدند که علامت‌های سوگواری عاشورا برگرفته از صلیب مسیحیان و مراسم آیین مسیحی است. حال آیا علم، همان صلیب است؟ باید گفت که، صلیب، خود از آیین مهرپرستی (میترائیسم) ایرانیان گرفته شده است.

اینکه روز مقدس مسیحیان، یکشنبه (Sunday) (روز خورشید) است، دلیل دیگری بر این ادعا می‌باشد؛ چرا که این روز برگرفته شده از نام‌های روزها در آیین مهرپرستی می‌باشد.

«یکشنبه» یعنی روز آفتاب و بنا بر عقیده‌ی ایرانیان، میترا خدای خورشید، جلوه‌ای از آن است. به همین دلیل، این روز را گرامی می‌داشتند. بعدها این سنت در یان مسیحیان رواج یافت و آنان این روز را، روز آسایش و مقدس خود می‌دانستند و هنوز هم به Sunday معروف است. بنابراین هنگامی که مسیحیان، غسل تعمید داده شدند و به کیش مسیحیت درآمدند، گردن‌بندی به گردن می‌آویزند که همان چلیپا یا صلیب است.

۷- بررسی نمادشناختی و مردم‌شناختی عَلم

واژه‌ی «نماد» در فارسی به معنی علامت و نشانه است. نماد، عبارت است از یک تصویر یا علامت و این قابلیت را دارد که می‌تواند مظهر یک چیز غیرمادی شود. در واقع برای آنکه نمادها در جریان نمادهای انسانی ارزش یابند، باید از نظر اجتماعی مورد پذیرش همگان باشند (دهخدا، ۱۳۹۵: ۲۰۵۴۹).

نشانه، انواع گوناگونی دارد: طبیعی، اجتماعی، فرهنگی. که در این مقوله، نشانه‌ی فرهنگی مورد نظر است. نشانه‌های فرهنگی گستره‌ای از نشانه‌ی ساده تا پیچیده دارند که نماد، صورت پیچیده‌ی آن است. نماد بیش‌تر با تقدس اعتقادی و اسطوره‌ای ارتباط دارد و با تاریخ زندگی انسان پیوند خورده است.

۸- تجزیه و تحلیل علامت‌های مختلف بکار رفته در عَلم

نماد سرو

شکل تیغه‌های عَلم، شبیه سرو است که یادآور درخت زندگانی (درخت مقدس) در ایران باستان است. درخت در تمام دین‌ها و فرهنگ‌ها با ارزش و مورد احترام بوده - در کهن‌ترین تصویری که از درخت بیان شده (بنا به اساطیر)، درخت کیهانی بسیار بزرگی است که رمز کیهان و آفرینش می‌باشد. گفته می‌شود که نوک این درخت تمام آسمان را پوشانده و ریشه‌های آن در سراسر زمین دوانده شده، شاخه‌های پهنش در همه جای جهان گسترده شده و قلبش جایگاه آتش است (خلیل‌پور، ۱۳۸۶: ۶۸).

همچنین در اساطیر آمده که، زرتشت سرو را از بهشت آورد و در پیش آتشکده کاشت، سروی که به سرو کاشمر معروف بود.

در اقوام گوناگون جهان، آیین‌های بسیاری در ارتباط با درخت وجود دارد، از جمله: چراغانی و تزیین درخت، دخیل بستن به درخت، حمل درخت به دنبال تابوت

مردگان، سوزاندن مرده در آتش و مهم‌ترین آن، آیین نخل‌گردانی در عزاداری امام حسین (ع) می‌باشد. بر طبق این آیین، ستون چوبی بزرگی را به شکل نخل یا سرو باشکوهی در می‌آورند و آن را حسین حسین گویان، در مجلس عزا می‌گردانند، این درخت نمادی از پیکر پاک امام (ع) می‌باشد.

گفته می‌شود زمانی که حضرت زهرا (س) به شهادت می‌رسند و حضرت علی (ع) قصد تدفین ایشان را دارند، طبق وصیت ایشان که گفته بودند: طوری تشییع شوند که کسی بدن ایشان را نبیند، به پیشنهاد یک غلام مصری، در دو طرف تابوت را برگ درخت خرما می‌گذارند. احتمال دارد که آیین نخل‌گردانی اشاره به این ماجرا داشته باشد.

در قرآن کریم، بارها از درختانی چون خرما، انجیر، انگور و زیتون نام برده شده، که نشان‌دهنده‌ی ارزش درخت در اسلام است.

نخستین عَلم‌ها از چوب خشک شده درخت صنوبر بوده است که آن هم یک درخت کشیده‌قامت مانند سرو است.

هنوز هم نمونه‌ای از این گونه عَلم‌ها در روستاها، به‌ویژه روستاهای اراک و مراغه استفاده می‌شود که در ماه محرم پارچه و دستمال‌های رنگارنگ نذری بر آن می‌پوشانند (همان: ۷۱).

نقش سرو خمیده که بر روی سفال‌ها و نقاشی‌های دوران مختلف تاریخی بر جای مانده، نمادی از سوگواری است.

شاید علتی که سرو در اسلام اهمیت دارد، نشان‌دهنده‌ی عالم جاوید است. خمیدگی تیغه‌های عَلم نشان از ارادت هنرمند نسبت به آزادگان دنیا است. به همین دلیل سرو، تابوت حسین (ع) شد که در مراسم نخل‌بندان یزد تجلی پیدا کرده است.

سرو خمیده، نمادی از کشته شدن مزدک و مزدکیان به دست انوشیروان ساسانی است. همان‌طور که می‌دانیم، در دوره‌ی ساسانیان، مردی دانشمند از اهالی نیشابور به نام مزدک پدید آمد. مذهبی که او آورد، بسیار نزدیک مذهب مانی بود. او به جدایی روشنایی از تاریکی اعتقاد داشت و جهان را ترکیبی از سه عنصر آب، آتش و خاک می‌دانست. قباد ساسانی در سال دهم از پادشاهی‌اش با مزدک آشنا شد و به یاری او، علیه ستم و جور بزرگان ساسانی بپا خاست. اندیشه‌ی مزدک بر پایه‌ی برابری عدالت بود و با نظام طبقاتی دوران ساسانی مخالفت بسیار داشت. مزدکیان، با گرفتن اموال ثروتمندان و تقسیم آن‌ها در میان نیازمندان جامعه درصد برآمدند که برابری اجتماعی برقرار کنند.

در نهایت طی یک توطئه، مزدک و یارانش به دست انوشیروان فرزند قباد قتل‌عام شدند. پیروان مزدک، او را که مانند سرو آزاده بود، می‌پرستیدند و به همین علت برای بزرگداشت او و عقایدش، سرو را که در میان ایرانیان قداست داشت و نماد پایداری و آزادگی بود، به حالت خمیده و سوگوار نقش کردند. از این دوره به بعد، سرو خمیده، نماد مزدک و راه او شد. امروزه این نماد را می‌توان در تیغه‌های علم که شباهت به سرو خمیده دارند مشاهده کرد. همچنین نظری بر آن است که بته جقه‌ی ایرانی از این نماد گرفته شده است (عظروش، ۱۳۸۵: ۷۷ - ۷۳).

نماد طاووس

در فرهنگ اساطیری ایران، طاووس، نماد زیبایی و پاکدامنی است. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه در مورد این پرنده می‌فرماید: «از شگفت‌انگیزترین پرندگان است، پروردگار او را در موزون‌ترین صورت آفرید و آن را در استوارترین هیأت پرداخت و رنگ‌های آن را نیکوترین ساخت». این حضرت از خصوصیات

طاووس، به گردن زیبا، رنگ آمیزی شگفت‌انگیز آن و ریش و رویش پره‌های آن اشاره فرموده‌اند (نهج البلاغه: خطبه، ۱۶۹).

بنابر عقیده‌ی علم‌سازها، طاووس موجود در علامت‌ها، نماد امام زمان (ع) است که در این مورد، حدیثی از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) موجود است که فرموده‌اند: «مهدی (عج) طاووس اهل بهشت است که هاله‌ای از نور او را احاطه کرده».

نماد هددهد یا شانه‌به‌سر

هددهد در داستان حضرت سلیمان، وظیفه‌ی پیام‌رسانی از طرف این پیامبر برای ملکه‌ی سبا را بر عهده داشت. همچنین این پرنده در میان پرندگانی که همراه سلیمان بودند، توانایی پیدا کردن آب را داشتند و حضرت سلیمان، او را سقای سپاه خود معرفی کرده است. بنابراین هددهد در ادبیات فارسی و باورهای مردم، نماد پیام‌رسانی و با آب و تشنگی در ارتباط است. وجود این پرنده در علم‌ عزاداری، اشاره به بستن آب و تشنگی کودکان سپاه امام (ع) و شرمندگی سقای کربلا می‌باشد.

نماد براق

نماد اسب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در شب معراج ایشان. براق یا مرغ رخ، همان اسب پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در شب معراج بوده، که جبرئیل، میکائیل و اسرافیل آن را برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آماده نمودند. صورتش مانند انسان و بدنش اسب، چشم‌هایش چون زهره و مریخ با پا و پره‌های سفید، شکمش سفید و گردن و سینه و پشتش سرخ‌رنگ. او دو بال داشت و پره‌هایش مانند طاووس و حرکتش مانند برق بود. این نماد در علم‌های عزاداری، یادی از وقایع گوناگون تاریخ اسلام دارد (حاج آقا فهیمی، رییس بخش عقیدتی سیاسی سازمان بهزیستی استان فارس).

نماد کبوتر

کبوتر، نماد معصومیت شهدای کربلا می‌باشد. کبوتران فولادی در علامت‌ها، نماد مقاومت شهدای کربلا می‌باشند. گفته می‌شود که کبوتران سفید در غروب خونین کربلا، از واقعه‌ای ناگوار خبر می‌دهند. کبوترانی که بر سر جنازه‌ها به زمین نشسته‌اند و لحظاتی بعد به سوی سرزمین‌های دور پرواز می‌کنند و خبر شهادت امام (ع) و یارانش را می‌رسانند.

در روایت از امام صادق (ع) آمده است: «کبوتر از مرغان پیامبران و دعاکرده‌ی حضرت نوح است» (خلیل‌پور، ۱۳۸۶: ۸۲).

نماد اسب

در فرهنگ ایرانی و اسلامی، اسب، نماد نجابت و پاکی است. بنا به روایتی، در روز عاشورا هنگامی که امام (ع) به خاک می‌افتند، اسبشان از ایشان دفاع می‌کند، تا اینکه پیشانی‌اش به خون مبارک امام آغشته شده و شیهه‌کشان به سمت خیمه‌ها می‌رود.

شیعیان پاکستان و هند، در روز عاشورا اسبی را که باور دارند از نژاد ذوالجناح است را آرایش و تیمار می‌کنند و زیورآلات به لگام آن می‌بندند و هنگام عزاداری در میان مردم می‌آورند. مردم با این اسب، درد و دل می‌کنند که چرا تنها برگشتی؟ چرا امام را نزد خاندانش نیاوردی؟ و درنهایت، به سینه‌زنی و عزاداری می‌پردازند. ذوالجناح را نباید کسی سوار شود، او آزاد است و کسی برای مراقبت او برگزیده می‌شود. در هند پس از مرگ ذوالجناح، آن را با احترام در مراسمی ویژه تشییع می‌کنند و در کنار حرم یکی از ائمه به خاک می‌سپارند (همان: ۸۴).

نماد شیر

ایرانیان، شیر را نماد نیرومندی، مردانگی و سروری می‌دانستند. شیر، نمادی از قدرت و بزرگی پادشاهان می‌باشد. علاوه بر این، شیر نشانه‌ی آریایی‌ها و به‌ویژه شاخص ایران و ایرانی بودن است. پس از حمله‌ی عرب‌ها به ایران، پیکره‌ی میترا که بر پشت شیر سوار است و نمادی از خدا بوده، برداشته شد (زیرا خلاف آیین اسلام است) و به جای میترا، فقط نماد خورشید را بر پشت شیر سوار کردند و نشان شیر خورشید از آن زمان بدون وجود میترا نمایان شد [در آیین میترائیسم، شیر جایگاه ویژه‌ای دارد؛ آخرین مرتبه کمال است که باید به آن رسید].

پس از آمدن اسلام به ایران، نماد شیر وارد فرهنگ دینی شد؛ به طوری که می‌توان نقش شیر و خورشید را بر روی سکه‌های دوره‌ی ایلخانی مشاهده کرد. این نقش در دوره‌ی سلجوقیان به عنوان نماد شیعه مطرح شد.

در ادبیات، خورشید نماد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و شیر در فرهنگ شیعه، نماد علی (ع) است و اشعار بسیاری در این باره از شاعران بر جای مانده. مانند این شعر از سنایی:

سراسر جمله عالم پر ز شیر است ولی شیری چو حیدر باسرخا کو؟

مولانا نیز در مثنوی معنوی، از حضرت علی (ع) به عنوان شیر حق یاد می‌کند. مهم‌ترین آثاری که حضرت علی (ع) را در نقش شیر به تصویر کشیده، نقاشی‌هایی از صحنه‌ی معراج پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌باشد. در این نقاشی‌ها، درحالی‌که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) سوار بر براق است، در حال دادن خاتم پیامبری به امام علی (ع) می‌باشد، که در این تصویر، حضرت علی (ع) به شکل شیر نقاشی شده است. این تصویر در بسیاری از معراج‌نامه‌ها در دوره‌ی صفویه و قاجار دیده می‌شود.

نکته‌ی قابل توجه این است که عده‌ای عقیده دارند شیرِ شمشیر به دست، نماد دلاوری‌های حضرت عباس است، همان‌طور که نام‌های عباس، اصلان، اسد ارتباط کلی با این موضوع دارند.

[اصلان ← نام / ریشه ترکی / شیر - شیر بیشه]

[عباس ← نام / ریشه عربی / اخمو - شیری که دیگر شیران از او بگریزند] (هراتی به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۸۰).

شیر، نماد نگهبانی و دلاوری است. در روایت است که از روز دهم محرم تا سیزدهم، نگهبان پیکرهای شهیدان کربلا می‌باشد، تا اینکه طایفه‌ی بنی‌اسد که از ایرانیان شیعه بوده‌اند، خاکسپاری پیکرها را انجام می‌دهند. نماد تمامی این باورها در تندیس شیر پولادین علامت می‌توان دید.

در روایتی دیگر آمده است: در جنگ کربلا، گروه شیران به کمک امام می‌شتابند و پیشنهاد یاری می‌دهند ولی امام نمی‌پذیرند (نادری، ۱۳۹۷/۷/۱۵)

نخستین پرچم شاهی که دارای نقش شیر و خورشید بود، به سلطان مسعود غزنوی تعلق داشت و از دوره‌ی شاه‌عباس صفوی به بعد، پرچم رسمی ایران، شیر و خورشید شد. گفته می‌شود که تا زمان فتحعلی‌شاه، دو بیرق وجود داشته؛ روی یکی از آن‌ها شمشیر ذوالفقار علی (ع) نقش بسته شده و روی دیگر، شیر و خورشید بوده است که این دو پرچم در دوره‌ی محمدشاه قاجار برای اینکه بیرق ایران یک علامت واحد گردد، شمشیر ذوالفقار را به دست شیر که بر بالای آن خورشید قرار گرفته است، می‌دهند تا پاسدار استقلال و آزادی ایران باشد.

نماد خروس

هنگامی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از سفر معراج آمد، فرمودند: در آسمان اول از عجایب، خروسی را دیدم که با بال‌های سفید که از شرق تا غرب را گرفته بود و سرش مانند یاقوت سرخ و پاهایش مانند زمرد سبز، منقارش قرمز و پر و بالش مانند طاووس صد رنگ داشت و چشمانش مانند مروارید، نورش آسمان را روشن کرده بود و تاجی بر سر داشت که بر آن نوشته شده بود: لا إله إلا... محمد رسول... و علی ولی...
 گفتم جبرئیل این خروس چیست؟ گفت: فرشته مؤذن است که خبر فجر، ظهر و غروب خورشید را می‌دهد و با کلمه‌ی توحید، تمام خروس‌های جهان چه در گیتی و چه در مینو با او هماهنگ می‌شوند (معصومی به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۷۶).

حضرت موسی (ع) گفته‌اند: که در خروس چند خصلت از خصلت‌های پیامبر است:
 ۱- سخاوت، ۲- شجاعت، ۳- شناختن وقت نماز، ۴- غیرت.

حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «فریاد کردن خروس، همان نمازخواندنش است و بال زدنش، رکوع و سجده‌ی او». در نزد ایرانیان باستان، خروس، نماد ایزد سروش بوده است. هم‌اکنون این پرنده با آوای خود، آدمیان را به انجام فرایض دینی می‌خواند. این پرنده در عَلم عزاداری، نماد مؤذن است و نماد نماز ظهر عاشورا است.

نماد پنجه

یکی دیگر از نمادهایی که در عزاداری محرم دیده می‌شود، پنجه است که به صورت دست بریده‌ی کوتاهی است که بر سر کتل‌ها یا بروی عَلم‌ها قرار می‌گیرد و در واقع یادآور حماسه‌ی عاشورا است (این پنجه، یادآور ندای «کیست که مرا یاری دهد؟» می‌باشد. پنجه از سه قسمت تشکیل شده: ۱- پنجه، ۲- اژدها (سرهای اژدها در دو طرف پنجه می‌باشد) ۳- پایه.

گاهی این پنجه را نماد دو دست بریده حضرت عباس (ع) می‌دانند که در یاری رساندن به امام، آن‌ها را از دست داد. عده‌ای این پنجه را نمایانگر پنج تن آل عبا علیهم‌السلام می‌دانند.

نماد آهو

در ادبیات فارسی، چهره‌ی یار و معشوق، به غزال شباهت دارد و بارها چشمان سیاه و درشت یار، به چشمان غزال تشبیه شده است.

از سوی دیگر، در باورهای مذهبی شیعه، امام رضا (ع) را ضامن آهو می‌دانند و در هند و پاکستان به عنوان امام ضامن مشهور می‌باشد. بنابراین نماد آهو، بیش‌تر در عَلم‌سازی خراسان دیده می‌شود. آهو در عَلم، نشان از بی‌گناهی، مظلومیت و شفاعت امامان معصوم علیهم‌السلام در پیشگاه خداوند است.

نماد اژدها

در دو طرف عَلم، سر اژدها با دهان باز وجود دارد که نماد اهریمن است. برخی می‌گویند سرهای اژدها برگرفته شده از هنرهای چینی و ژاپنی است - تصویر اژدها در مینیاتورهای قرن پانزدهم میلادی دیده می‌شود، که این نماد بر روی دسته‌های چوبی و فلزی قرار می‌گرفت.

در فرهنگ ایرانی - اسلامی، اژدها نماد شرّ و پلیدی و طغیان‌گری و عقوبت و جهنم است و با دهان آتش‌افروز خود، در کمین انسان‌ها است.

این جانور از نظر عَلم‌سازان، نماد معجزه‌ی حضرت موسی (ع) است که در قرآن هم آمده، اما دو اژدهایی که در دو طرف علامت وجود دارد، یادآور داستان ضحاک و قیام کاوه‌ی آهنگر و نخستین پرچم ایرانی می‌باشد و تمام این‌ها، هنر دست عَلم‌سازان

می‌باشد که ظرافت واقعه‌ی کربلا و عشق و ارادت ایرانیان به امام حسین (ع) را با فرهنگ هزارساله‌ی این کشور پیوند داده‌اند.

نماد تبر

تبر، مظهر قدرت و مبارزه است. در مفرغ‌های کشف شده‌ی لرستان، این سلاح با نقش شیر آراسته شده. در دوره‌های اسلامی، شعار مذهبی مانند نصرمن... روی آن می‌نویسند. شاید کشکول و تبر که نماد درویشان می‌باشد، به گونه‌ای نمادین یادآور جنگ و هم یادآور جبرئیل (به صورت درویشی نزد امام حسین علیه‌السلام) در کربلا می‌باشد.

نماد مکعب‌های فولادین

این مکعب‌های فولادین، یادمان کعبه و مزار شهیدان کربلاست. مربع، نمادی از زمین در برابر آسمان (که دایره‌شکل است) می‌باشد. بوعلی‌سینا دایره را نماد آسمان (هوا) گرم و مرطوب و مربع را نماد زمین (خاک) سرد و خشک می‌داند. حال آنکه این مربع، قابلیت تکامل و تبدیل به دایره را دارد. همچنین مربع و دایره از دوران باستان، مکمل یکدیگر بوده‌اند، که یکی نماد آسمان (دایره) و دیگری نماد زمین (مربع) است.

نماد زنگ (زنگوله)

زنگ، خبر، آگاهی و توجه است. یکی از رسوم بازمانده از آیین مهرپرستی، زنگ زورخانه، ناقوس کلیسا است (بهار، ۱۳۸۷: ۳۷). زنگ برای هشدار و آگاه نمودن انسان است. زنگ خبر است و کاربرد آن در علم، بشارت اینکه کاروان در حال رسیدن است و دوباره بانگ رحیل است - درواقع وجود زنگ در علم به واقعه‌ی عاشورا اشاره دارد.

مکان اصلی زنگوله در عَلم (علامت)، گاه در دهانه و سر تیغه‌ها و یا در دهان اژدهاست و به این علت است که سرو نماد آزادگی و نور است و اژدها نماد نفس ظلمانی و دوزخ و جهنم است که می‌تواند اخطار دهنده‌ی ورود نیروهای شر در برابر نیروهای خیر در واقعه‌ی کربلا باشد.

نماد رنگ در عَلم

در علامت‌های محرم، پره‌های رنگی بیش‌تر برای تزئین بر بالای تیغه‌ها قرار می‌گیرند و به عَلم، نمای زیبا می‌دهند. از سوی دیگر، در تعزیه‌خوانی‌ها می‌بینیم که شمر با پیراهن سرخ و کلاه‌خودی که پر قرمز دارد، نمایان می‌شود که نماد از خونریزی و سنگدلی است. حضرت عباس (ع) با لباسی سبزرنگ و عَلمی سبز به دست دارد و پری سبز بر کلاه‌خودش زده است که تمام این‌ها نماد پاکدامنی می‌باشد.

قسمتی از کتاب «لهوف» درباره‌ی امام حسین (ع):

کتاب لهوف، از ابوالقاسم رضی‌الدین‌علی‌بن‌موسی معروف به سیدبن‌طاووس، از منابع کهن واقعه‌ی عاشورا و تاریخ زندگی امام حسین (ع) می‌باشد.

بخش سوم این کتاب، به حوادث قبل از ماجرای عاشورا، ولادت امام حسین (ع) و مراسم ولادت ایشان، تعبیر خواب اَمّالفضل، دوازده فرشته گوناگون در محضر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ... اشاره دارد.

راویان حدیث روایت کنند: پس از گذشت یک سال تمام از زاده شدن امام حسین (ع)، ناگاه دوازده فرشته به خدمت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) آمدند. آن‌ها چهره‌های گوناگون داشتند؛ یکی به صورت شیر بود، یکی به صورت گاو، سومی به صورت اژدها، چهارمی به صورت انسان، و هشت فرشته‌ی دیگر به صورت‌های گوناگون با چهره‌های قرمز و چشمان گریان، پر و بال‌شان را گشوده بودند و می‌گفتند: ای محمد! به زودی

به پسر حسین (ع)، فرزند فاطمه (س)، همان نازل می‌شود که از ناحیه‌ی قاییل به هابیل وارد شد و پاداشی که به هابیل داده شد، به حسین داده می‌شود و عذابی که خداوند به قاییل رسانید، به قاتلان امام حسین (ع) نیز می‌رساند (سیدطاووس به نقل از خلیل‌پور، ۱۳۷۹).

۹- آیین عَلم‌گردانی در مناطق مختلف ایران

۹-۱- عَلم‌گردانی در شهرستان بن استان چهارمحال و بختیاری

هرسال با آغاز محرم و صفر در استان چهارمحال و بختیاری شاهد برپایی آیین‌های سنتی عزاداری هستیم. در روزهای اول و دوم محرم مردم لباس سیاهی که در حرم امامزادگان متبرک شده را می‌پوشند و دسته‌های سینه‌زنی، هیأت عزاداری و دسته‌های زنجیرزنی را برپا می‌کنند و به پخت خوراک و توزیع نذری در جاهای مختلف استان می‌پردازند. گروه‌های شبیه خوان و تعزیه خوان در دهه نخست محرم، هر روز در حسینه‌ها و تکیه‌ها تعزیه امام حسین (ع)، حضرت عباس، ظهر عاشورا و اسارت زینب (س) برگزار می‌نمایند و رنج‌ها و مصیبت‌های آن روزها را برای مردم یادآور می‌شوند.

در هفتم و هشتم ماه محرم در این استان رسم براین است که گردانندگان عَلم و کتل در کوچه‌های شهر علم و کتل برپا می‌کنند و در کنار آن آرد و نذورات مردم را جمع می‌نمایند.

در آیین روز عاشورا به یاد قافله خاندان امام حسین (ع) در صحرای کربلا، عزاداران اقدام به راه انداختن کاروان می‌کنند و در پایان به صورت نمادین خیمه‌هایی که از قبل برافراشته شده را آتش می‌زنند. (سایت ایرنا)

برخی از شهرستان‌های استان چهارمحال و بختیاری مراسم ویژه‌ای در ماه محرم اجرا می‌کنند، از جمله آیین "علم زنی به چشمه آب" یا "علم در گرداب" که در شهر بن برگزار می‌شود. در این مراسم مردم علم را به می‌رسانند و در آب فرو می‌برند که نشان از رفع تشنگی و پیروزی نهایی حق بر باطل است.

آیین علم بستن در شهر بن قدمت دیرینه دارد و با آداب و رسوم ویژه‌ای همراه بوده که امروزه این آداب به دست فراموشی سپرده شده است. برای نمونه نذر از سوی باغداران و کشاورزان برای استفاده در بستن علم از مواردی است که در گذشته، گاه‌گاه وجود داشته و امروزه به ندرت دیده می‌شود، یا نذر پارچه‌های رنگی در اندازه‌های گوناگون مانند شال و روسری برای گره‌زدن به تنه علم که امروزه جای خود را به پارچه‌های یکسان در رنگ‌های سبز، قرمز، سیاه و قرمز-سیاه داده است.

روز عاشورا در میان مردم بن با نام "روز تیغ" شناخته می‌شود و مهمترین بخش این مراسم ادای احترام به سادات که به آن "آقا سلام" می‌گویند. علم گردان‌ها در صبح عاشورا پس از فرو بردن علم در آب با عبور از میدان شهر وارد خیابان می‌شوند و بر تعداد عزاداران افزوده می‌شود. پس از پایان دهه نخست محرم این علم‌ها جلوی مساجد و خانه‌ها قرار می‌گیرند و بعد از ماه صفر تمامی آنها باز می‌شوند، در زمان باز کردن علم‌ها تعداد بسیاری از پارچه‌های نذر شده به نذرکنندگان باز می‌گردد. نکته مهم دیگر که در مورد آیین علم گردانی در شهر بن وجود دارد این است که اگر در هنگام حمل علم قسمتی از آن به ویژه سر علم با زمین برخورد کند صاحب علم باید گوسفندی قربانی کند.

از ویژگی دیگر مراسم فرو بردن علم در آب بلندی و تعداد آنها است که گاهی ارتفاع علم‌ها بیشتر از ۲۰ متر هم می‌شود و تعدادشان به بیش از ۱۵۰ عدد هم می‌رسد (سایت ایسنا).

۲-۹- علم‌داری در ماسوله

در ماسوله، روز هفتم محرم، مراسم علم‌بندی را با شور و هیجان برپا می‌کنند. سند تاریخی در این مورد نداریم، برخی می‌گویند که این مراسم در دوره‌ی صفویه شکل گرفته است. چهار علم که متعلق به چهار محله‌ی ماسوله به نام‌های مسجدبر، خانه‌بر، اسدمحله و کشسر می‌باشند، در سراسر سال تا روز هفتم محرم، در مسجد همان محله نگهداری می‌شود. روز هفتم این علم‌ها به وسیله‌ی ریش سفیدان محله با همراهی مردم، به دسته‌های عزاداری داده می‌شوند، علم‌ها به پارچه‌های سبزرنگی که به شکل‌های گوناگون آراسته شده‌اند، پوشانده می‌شوند.

دسته‌ها به نوبت و اولویت مسجدها (که اولویت نخست با مسجدبر است)، گرد مسجد جمع می‌شوند و علم از مکانی بالکن مانند واقع در بالای مسجد به آن‌ها داده می‌شوند. البته برای نظم این مراسم هیأتی به نام هیأت محرم وجود دارد که به این مراسم نظارت می‌کند.

مراسم علم‌بندی ماسوله، زیبا و منحصر به فرد است؛ یکی از دلایل تک بودن آن، شکل عمودی علم است. برخی بر این باورند که اصل علم از آغاز اسلام به این شکل طراحی شده است. عده‌ی دیگری می‌گویند که علت عمودی بودن علم در ماسوله برخلاف سایر شهرهای ایران که علم افقی می‌باشد، ساختار پلکانی این شهر است و به علت کوهستانی بودن آن، حمل علم‌های عمودی راحت‌تر است. در این روز تمام

مردم گرد هم می‌آیند و با یکدیگر دیدار می‌کنند و موقعیتی پیش می‌آید که آیین‌های تاریخی و مذهبی زنده نگه داشته شود (خلیل‌پور، ۱۳۸۶: ۹۹).

۳-۹- علم‌گردانی در مهریز یزد

این آیین همه ساله براساس سنت دیرینه که قدمت آن افزون بر ۲۰۰ سال است در تکایا و حسینیه‌های مهریز به یاد شهدای مظلوم کربلا به خصوص امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) انجام می‌شود.

اوج علم برداری در مهریز از هفتمین روز از ماه محرم حسینی با حضور مردم و جوانانی که علم‌های مختلفی را در دست دارند به نحو باشکوه و درفضایی معنوی برگزار می‌شود. در این آیین درحالی‌که دست‌های عزادار در اطراف حسینیه به روش سنتی مشغول مرثیه خوانی و سوگواری هستند با به حرکت درآمدن علم‌ها شورحسینی همه‌جا را فرا می‌گیرد.

رئیس اداره تبلیغات اسلامی مهریزگفت: علم‌برداری در این شهرستان از جلوه‌های ویژه زنده نگهداشتن یاد و خاطره شهدای دشت کربلا و امام حسین (ع) است. حجت الاسلام محمدحسین متوسل درحاشیه این آیین‌های افزود: علم‌برداری از جایگاه و قداست زیادی در بین مردم و جوانان برخوردار است و همه ساله به نحو باشکوهی برگزار می‌شود. وی تصریح کرد: در اکثر حسینیه‌های مهریز در شهر و روستاها علم وجود دارد و در سال‌های اخیر جوانان زیادی به علم بستن و فعالیت در این برنامه معنوی و فرهنگی وارد شده‌اند.

علم یکی از وسیله‌های نمادین بکار رفته در آیین سوگواری محرم و چوب بلندی است که پارچه‌های رنگین سبز، سیاه و سایر رنگ‌ها به آن بسته می‌شود و نماد ایستادگی و مقاومت حضرت عباس (ع) و شهدای کربلا در مقابل دشمنان است.

علم‌ها توسط مردم و جوانان در پیشاپیش صف سوگواران حرکت داده می‌شود و به کسی که علم را با خود حمل می‌کند علمدار می‌گویند و یادآور علمدار کربلاست (سایت ایرنا).

۹-۴- علمواچینی (جشن خرمن) در کوهساران

از دیگر آیین‌های دل‌انگیز کوه‌نشینان شرق گیلان که بعد از اسلام، دگرگونی یافته و با مراسم مذهبی درآمیخته و رفته‌رفته رو به فراموشی می‌نهد؛ علمواچینی (*alamvāčini*) است که باید آن را (جشن خرمن) نامید.

مراسم علم‌بندی (روز هفتم ماه محرم) و علمواچینی (روز سوم شهادت امام حسین علیه‌السلام) در شهرهای شرق گیلان، صرفاً جنبه‌ی مذهبی و سوگواری دارد. اما، آیین علم‌واچینی کوه‌نشینان، در روزهای جمعه‌ی تابستان پس از برداشت محصول، همراه با سرور و شادمانی برگزار می‌گردد و تنها، گوشه‌ای از آن همه شادمانی‌ها با آداب مذهبی ارتباط می‌یابد. در منطقه‌ی کوهساران گیلان، آبادی‌های بزرگ، دشت‌های وسیع گندم‌کاری و دامداری وجود دارد و در بیش‌تر این آبادی‌ها یک یا چند امامزاده، بقعه که اغلب از سادات می‌باشند، است. مردم این سرزمین‌ها به برخی از این امامزاده‌ها بسیار معتقد می‌باشند تا جایی‌که رونق کار خود را به امامزاده‌ای که در آنجاست، وابسته می‌دانند.

۹-۴-۱- ویژگی‌های علم‌واچینی در کوهساران

- علمواچینی (جشن خرمن) حتماً در یک روز جمعه تابستان، پس از برداشت محصول در میدان یکی از اماکن متبرکه، برگزار می‌شود.
- روز جمعه، برگزاری علمواچینی، با مشورت ریش‌سفیدان و متولی آن آبادی تعیین و به آبادی‌های اطراف اطلاع داده می‌شود.

- «تکیه شریک»ها، کوه‌نشینان اطراف هر زیارتگاه موظفند که در روز عَلموچینی، غذای بسیار زیاد تهیه کنند تا شرکت‌کنندگان آبادی‌های بسیار دور که امکان آوردن یا تهیه‌ی خوراک را ندارند، مهمان (تکیه‌شریک)ها باشند.
- در بیش‌تر جاها، خوراک روز عَلموچینی را فقط (تکیه‌شریک)ها تهیه می‌کنند و شرکت‌کنندگان نه‌تنها مهمان آن‌ها می‌باشند، حتی می‌توانند مقدار کمی از خوراک را برای کسانی که در روستا مانده‌اند و به عللی نتوانسته‌اند در این آیین شرکت کنند، ببرند.
- در این روز، دختران و پسران جوان، بهترین و زیباترین لباس خود را می‌پوشند و زنان، انواع اشیاء زینتی را به لباس‌های خوشرنگ محلی خود می‌افزایند.
- بر رهوارترین اسب و قاطر که آراسته به زین و یراق است سوار می‌شوند و کسانی که اسب ندارند، به شکل گروهی، همراه با خواندن ترانه‌های محلی، کف‌زنان و هلله‌کنان، رهسپار می‌شوند.
- شرکت‌کنندگان برحسب فاصله‌ی مکانی، طوری حرکت می‌کنند که ساعت ۱۰ صبح، در مکان زیارتگاه باشند.
- خانواده‌ها جای مناسب برای استراحت کردن انتخاب می‌کنند و معمولاً خانواده‌های یک آبادی دور هم جمع می‌شوند.
- دست‌فروش‌ها و کاسبان، بساط کسب و کار خود را کنار میدان زیارتگاه می‌گسترند.
- مبادله‌ی کالا و خرید و فروش فرآورده‌های محلی و شهری بین شرکت‌کنندگان انجام می‌شود.
- (تکیه‌شریک)ها در رفع نیازهای شرکت‌کنندگان کوشش می‌کنند.

- زنان عموماً با روسری‌های خوشرنگ می‌آیند.
- دختران و پسران آبادی‌های همسایه، در این گشت‌وگذارها، همدیگر را می‌بینند و شریک کار و زندگی آینده‌ی خود را برمی‌گزینند.
- در حدود نیم ساعت از ظهر گذشته، سفره‌ها را می‌گسترند (معمولاً هر خانواده که خوراک بیش‌تری دارد، آن‌هایی را که تازه رسیده‌اند و جایی ندارند را بر سر سفره‌ی خود دعوت می‌کنند).
- در حدود ساعت ۲ بعدازظهر، عَلم چوبی را که به دور آن پارچه‌هایی پیچیده‌اند، از زیارتگاه بیرون می‌آورند. یکی از حاضران نوحه می‌خواند و دیگران سینه می‌زنند و عَلم را چند بار دور زیارتگاه می‌چرخانند، آنگاه در میدان زیارتگاه، پارچه‌های بسته شده به چوب عَلم را می‌گشایند (واچین *vačín.an* = باز می‌کنند). واعظ محلی روضه می‌خواند و حاضرین، پولی به او می‌دهند. [این تنها گوشه‌ی مذهبی برگزاری آیین عَلم واچینی کوه‌نشینان است].
- بعد از مراسم باز کردن عَلم، کشتی محلی آغاز می‌گردد و جوانان زورمند کوهستان‌ها، دوستانه، کشتی می‌گیرند.
- برخی از جوانان هم از آبادی تا زیارتگاه مسابقه‌ی اسب‌دوانی برگزار می‌کنند.
- غروب همان روز جمعه، شرکت‌کنندگان به آبادی خود برمی‌گردند و به کار و زندگی می‌پردازند و برای عَلم‌واچینی آبادی دیگر آماده می‌شوند.
- آبادی‌هایی که بیش‌تر عَلم‌واچینی در آن‌ها برگزار می‌شود: سیدسرا، مبیکال، سیاه‌کو (در شرق دیلمان)، کاکرود و ...

البته این مراسم در آبادی‌های جلگه و کلا (kalā) پس از برداشت برنج برپا می‌شود. ولی در این روزگار، کاملاً با مراسم مذهبی درآمیخته و مردم روز سوم شهادت امام حسین (ع) را برای عکمواچینیبرگزیده‌اند.

عکمواچینی کوه‌نشینان شرق گیلان یادآور (جشن خرمن زرتشتی) یا یکی از جشن‌های ایران باستان است که بعد از اسلام رنگ و بوی مذهبی به خود گرفته است. البته این آیین به علت کوچ کوه‌نشینان به جلگه‌ها و شهرها، رفته‌رفته از میان می‌رود (پاینده لنگرودی، ۱۳۵۵: ۲۱۹-۲۳۳).

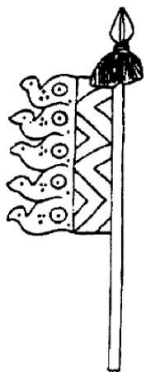
۱۰- نتیجه‌گیری

هدف نوشتن این مقاله این بود که پرده‌ی ابهام از نشانه‌شناختی علم‌های عزاداری که در طی سالیان دراز در عزاداری‌های محرم استفاده می‌شود، بردارد. کمتر جای دنیا ما نمادی با این عظمت و ارزش داریم، نمادی که خود مجموعه‌ای از نشان‌ها است. تمام عناصر و نمادهای بکار رفته در علم بی‌جهت نیست و صرفاً جهت تزیین ندارد، بلکه عصاره تاریخ و فرهنگ اسلام است که قیام امام حسین (ع) نتیجه و ثمر آن است.

در علامت‌ها هنر اسلامی خود را در قالب نمادها (اژدها، سرو، خروس و...) در پیوند با هنر و فرهنگ ایرانی نمایان می‌سازد و در کمال ظرافت و استادی واقعه کربلا احترام و عشق ایرانی را از دل هزاران سال فرهنگ بیرون می‌کشد.

متأسفانه در سال‌های اخیر این آیین کهن دچار افراط و تفریط شده و با تزیینات نادرست و خودخواهانه از هدف اصلی‌اش دور شده است. به همین علت از دیدگاه کارشناسان مذهبی مورد انتقاد قرار گرفته و آن را در زمره تحریفات عاشورا مطرح می‌کنند.

امید که پژوهش‌هایی از این دست کمکی به شناخت بیشتر ریشه‌ها و نشانه‌شناختی فرهنگ علم و عزاداری بنماید.



درفش با سر پنج شاهین

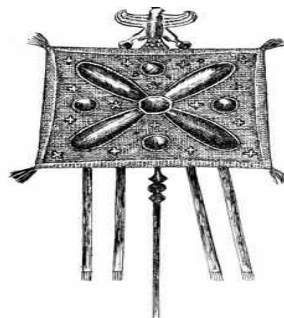
دوران ساسانیان

<http://www.mehremihan.ir/iranian-history>



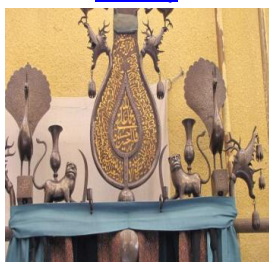
درفش ازدها پیکر دوران اشکانیان

<http://www.mehremihan.ir/iranian-history>



درفش کاویان

<http://www.mehremihan.ir/iranian-history>



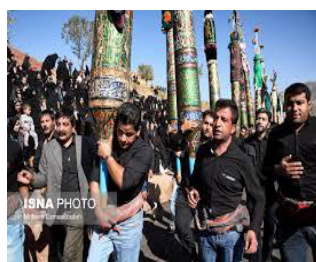
نمونه‌ای از علامت

www.google.com/search?q=



نمونه‌ای از علامت

www.google.com/search?q=



علم چوبی

www.google.com/search?q=



عکس از نگارنده، شیراز، محرم ۱۳۹۷
میدان اطلسی



عکس از نگارنده، شیراز، محرم ۱۳۹۷
میدان اطلسی



عکس از نگارنده، شیراز، محرم ۱۳۹۷
میدان اطلسی



آیین آتش زدن خیمه‌ها و فروبردن
علم در آب

منابع

کتاب‌ها

- بختورتاش، نصرت الله. (۱۳۹۲) *تاریخ پرچم ایران از باستان تا امروز*. تهران: بهجت.
- بن طاووس، علی بن موسی. (۱۳۸۴) *لهوف*. محمدجواد مولوی‌نیا. قم: سرور.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۷) *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- پاینده لنگرودی، محمود. (۱۳۵۵) *آیین‌ها و باورداشت‌های گیل و دیلم*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پیرنیا، حسن. (۱۳۷۸) *تاریخ امپراطوری هخامنشیان*. تهران: سما.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۹۵) *لغتنامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- عطروش، طاهره. (۱۳۸۵) *بته جقه*. تهران: سی بال هنر.

عمید، حسن. (۱۳۷۵) فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.

معصومی، امیر. (۱۳۸۷) فروغ تجلی. تهران: هفت.

شهیدی، سیدجعفر. نهج البلاغه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

پایان نامه ها

خلیل پور، مهدی. (۱۳۸۶) بررسی ارزش های تصویری و نمادین در آیین مذهبی اسلام.

پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی

مقاله ها

ببری دیزج، مهربان. (۱۳۸۸) «انواع بیرق و کاربردهای آن در نتایج یک پژوهش

عهدناصری». پیام بهارستان، ش ۵. ۹۰۴-۹۰۹.

<https://ensani.ir/fa/article/95737>

شاطری، میترا. (۱۳۸۲) «درفش در عهد پیامبر اسلام(ص)». وقف میراث جاویدان، ش

۴۱ و ۴۲. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/282862>

صلواتی، مرجان. (۱۳۸۵) «نماد شناسی بیرق ایران باستان تا آغاز دوران صفویه». نقش

مایه، ش ۱. <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/345033>

سایت علم های محرم <https://www.google.com/search>

سایت ایران خبر www.irankhabar.ir

سایت ایرنا www.irna.ir/esfahan

سایت ایسنا www.isna.ir/news/ ۷۵۴۰۳۵۵